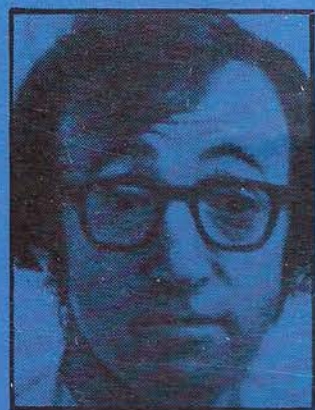


مرگ

نمایشنامه‌ی
از
وودی آلن



وودی آلن

مرگ

ترجمه‌ی بهروز تورانی

حقوق باز نشر الکترونیکی این کتاب توسط پدیدآورنده آن
به صورت اختصاصی در اختیار باشگاه ادبیات قرار داده شده است.

باشگاه ادبیات

2000

کتاب ۲۰۰۰

مرگ

نوشته‌ی وودی آلن

ترجمه‌ی سهرز تورانی

چاپخانه رشديه، خرداد ۱۳۶۰

۳۰۰۰ نسخه

تلفن مرکز پخش : ۵۳۴۸۰۵

کلیه‌ی حقوق محفوظ است

مهم نیست که مرگ ، چه وقت و در کجا به سراغ من می آید . مهم
این است که وقتی می آید ، من آنجا نباشم .
" وودی آلن "

آدم های نمایش :

کلا یمن

هانگ

ال

سام

هگر

جان

ویگتور

آنا

دکتر

جینا

یک مرد

پاسبان

بیل

فرانگ

دان

هیزی

دستیار

اسپیرو

ایب

دیوانه

پرده بالا می‌رود

(کلایمن در رختخوابش خوابیده است . ساعت ۲ بعد از نیمه شب است . ضربه‌هایی به در می‌خورد . بالاخره کلایمن با تلاش زیاد و به اجبار برمی‌خیزد)

کلایمن ها؟

صداها بازکن! هی (مگث) یاالله، می‌دونیم که اونجا هستی! بازکن! زودباش، بازکن! ...

کلایمن ها؟ چی؟

صداها زودباش، بازکن!

کلایمن چی؟ صبر کنید! (چراغ را روشن می‌کند) کیه؟

صداها یاالله، بازکن، زودباش!

کلایمن کیه؟

صدا زودباش " کلایمن " (مگث) عجله کن .

کلایمن "هکر"، این صدای "هکر"ه. "هکر"؟

صدا کلایمن، باز می‌کنی یا نه؟!

کلایمن دارم میام، دارم میام . خواب بودم (مگث) صبرکن!

(تلو تلو خوران و با گیجی و تلاش زیاد به ساعت نگاه می‌کند)

خدای من، ساعت دو و نیمه ... دارم میام، یک دقیقه صبر

کن!

(او در را باز می‌کند و شش مرد وارد می‌شوند)

هانک بخاطر خدا ، کلایمن ، مگه کری ؟
کلایمن من خواب بودم . ساعت دو و نیمه ، چه خبره ؟
ال ما بتو احتیاج داریم . لباس بیوش .
کلایمن چی ؟
سام زودباش کلایمن . ما زیاد وقت نداریم .
کلایمن جریان چیه ؟
ال زودباش ، بجنب .
کلایمن بجنبم که کجا برم ؟ " هکر " ، الان نصف شبه .
هکر خيله خب ، بيدار شو .
کلایمن جریان چیه ؟
جان خودتو به نفهمی نزن .
کلایمن کی داره خودشو به نفهمی میزنه ؟ من در خواب عمیقی بودم .
خیال میکنی ساعت دو و نیم بعد از نصف شب چیکار
می کردم ؟ می رقصیدم ؟
هکر ما به هرکسی که در دسترس باشه احتیاج داریم .
کلایمن برای چی ؟
ویکتور کلایمن تو چه مرگته ؟ مگه کجا بودی که جریانو نمی دونی ؟
کلایمن شماها راجع به چی حرف می زنین ؟
ال یک گروه تعقیب و دستگیری .
کلایمن چی ؟
ال گروه تعقیب و دستگیری .
جان ولی ایندفعه با نقشه .
هکر و از پیشش هم برمیائیم .
سام یک نقشه ی بزرگ .
کلایمن خوب ، هیچکس نمی خواد بمن بگه شماها برای چی اینجا
هستین ؟ آخه من با لباس زیر سرده .
هکر بذار فقط اینو بگم که ما به هر کمکی که بتونیم بگیریم احتیاج
داریم . حالا لباس بیوش
ویکتور (با لحن تهدید آمیز) و عجله کن .

کلاينمن خيله خب، من لباس مي پوشم . . . ممکنه لطفاً " بمن بگين جريان چيه؟

(هراسان شروع به شلوار پوشيدن مي کند)

جان قاتل شناسايي شده . بوسيله ي دو زن . اونها اونو موقعي که وارد پارک مي شد ديده اند .

کلاينمن کدوم قاتل؟

ويکتور کلاينمن، حالا وقت پر حرفي کردن نيست .

کلاينمن کي پر حرفي مي کنه؟ کدوم قاتل؟ شما يکدفعه وارد مي شين . . .

من در خواب عميقي هستم (مکث)

هکر قاتل " ريچارسون " . . . قاتل " جمپل " .

ال قاتل " مري کيلتي " .

سام همون ديوونه هه .

هانک اونیکه آدما رو خفه مي کنه .

کلاينمن کدوم ديوونه؟ کدوم آدم خفه کن؟

جان هموني که پسر " ايسلر " رو کشت و " جنسن " رو با سيم پيانو خفه کرد .

کلاينمن " جنسن "؟، همون نگهبانه؟

هکر درسته . اونو از عقب گرفت . کشيدش بالا و سيم پيانو رو دور گردنش پيچيد . وقتي پيداش کردن کبود شده بود . گوشه ي دهنش " تف " بيخزده بود .

کلاينمن (به اطراف اطاق نگاه مي کند) آره، خب، نگاه کنين، من بايد فردا برم سر کار .

ويکتور بيا بريم کلاينمن . ما مجبوريم پيش از اونکه دوباره حمله کنه اونو متوقف بکنيم .

کلاينمن " ما "؟، " ما " و من؟

هکر بنظر نمياد که پليس بتونه از پشش بربياد .

کلاينمن خب، اونوقت ما بايد نامه و شکايت بنويسيم . من اول صبح اينکار رو مي کنم .

هکر اونها تمام تلاششون رو مي کنند، کلاينمن . اما گيج شده اند .

سام همه گیج شده اند .
 ال نکنه می خوامی بگی که چیزی در این باره نشنیدی؟
 جان باور کردنش مشکله .
 کلایمنم خب ، راستش اینه که (مکث) الان اوج فصل فروشه ... ما مشغول هستیم (آنها به ناشیگری او اعتنایی نمی کنند) حتی برای ناهار خوردن وقت نداریم (مکث) و من عاشق غذا - خوردن هستم ... " هکر " بهتون می گه که من عاشق غذا خوردنم .
 هکر اما این ماجرای هولناک مدتی که ادامه داره . تو به اخبار توجهی نداری؟
 کلایمنم فرصتشو پیدا نمی کنم .
 هکر همه ترسیده اند . مردم جرات ندارن شبها توی خیابون قدم بزنند .
 جان خیابون که چیزی نیست . خواهرهای " سایمون " توی خونه ی خودشون کشته شدند . چون درها رو قفل نکرده بودند . گلوی اونها گوش تا گوش بریده شده بود .
 کلایمنم بنظرم گفتمی که اون آدمهارو خفه می کنه .
 جان کلایمنم : ناشیگری نکن .
 کلایمنم حا ، حالا که اینو گفتین ، من روی این در یک قفل تازه می گذارم .
 هکر وحشتناکه . هیچکس نمی دونه اون دوباره کی حمله می کنه .
 کلایمنم این جریان از کی شروع شده؟ نمی دونم چرا هیچکس به من چیزی نگفته بود .
 هکر اول یک جسد ، بعد یکی دیگه و بعد بیشتر . شهر در اضطرابه . همه غیر از تو .
 کلایمنم خوب ، حالا راحت باش . چون من هم مضطربم .
 هکر وقتی پای یک دیوونه درمیونه ، کار مشکله . چون اون انگیزه ی خاصی نداره . بنابراین ، سر نخ می بدست نمی آد .
 کلایمنم از کسی چیزی ندزدیده؟ تجاوزی نکرده؟ (مکث) ، یا اینکه

کسی را یک کمی قلقلک نداده .
ویکتور اون فقط خفه می‌کنه .
کلایمن حتی " جنسن " رو . . . اون خیلی زور داره .
سام بهتره بگی زورد " داشت " . چون الان زبانش از دهنش بیرون زده و رنگش کبود شده ؟
کلایمن آبی . . . برای یک آدم چهل ساله رنگ خوبی نیست . . .
راستی سر نخي باقی نمونده ؟ یک تار مو (مگث) یا یک اثر انگشت ؟
هکر چرا . یک تار مو پیدا کرده‌اند .
کلایمن خوب چرا معطلن ؟ امروز فقط به یک تار مو احتیاج دارن .
می‌گذارنش زیر میکروسکوپ و اونوقت : یک ، دو ، سه ! تمام
ماجرای رو می‌فهمن . راستی اون مو چه رنگیه ؟
هکر رنگ موی تو .
کلایمن رنگ موی من (مگث) اینطور به من نگاه نکنید . این روزها مویی از سر من کم نشده . من . . . نگاه کنید ، احمق نشین . . .
چنین ادعایی باید منطقی باشه .
هکر اوهوه .
کلایمن گاهی سر نخ در خود مقتولینه (مگث) مثلاً " همه‌شون یا پرستارند یا کچل هستن . . . یا همه‌شون پرستارهای کچل هستن . . .
جان می‌خواهی شبا هت این قتل‌ها رو به‌ما بگی ؟
سام درسته . شبا هت بین پسر " ایسلر " و " مری کیلتی " و " جنسن " و " جمیل " (مگث)
کلایمن اگه درباره‌ی این قتل‌ها اطلاعات بیشتری داشتم . . .
ال اگه اطلاعات بیشتری داشتی می‌فهمیدی که شبا هتی بین قتل‌ها و مقتولین وجود نداشته . جز اینکه همه‌ی اون‌ها یک وقتی زنده بودند و حالا مرده‌اند . نکته‌ی مشترک همه‌ی قتل‌ها همینه .
هکر راست می‌گه . کلایمن ، اگه فکرت اینطوری باشه ، باید گفت که هیچکس تا مین جانی نداره .
ال شاید می‌خواد خودشو مطمئن بکنه !

جان آره .

سام الگوی مشابه خاصی وجود نداره کلایمن .

ویکتور فقط پرستارها در خطر نیستند .

ال هیچکس تاءمین جانی نداره .

کلایمن من داشتم خودمو قانع می کردم . می خواستم یک سوءالی بکنم .

سام انقدر از این سوءال های لعنتی نکن . ما کار داریم .

ویکتور ما همه نگرانیم . هرکسی می تونه نفر بعدی باشه .

کلایمن نگاه کنین ، من به این جور کارها وارد نیستم . من درباره ی شکار انسان چی می دونم ؟ من تازه اول کارم . بذارین بهتون اعانه ی نقدی بدم . این کار از من برمیاد . بذارین یه چند دلاری بدم (مکث)

سام (کنار آینه یک تارمو پیدا می کند) این چیه ؟

کلایمن چی ؟

سام این . روی شانه ی تو بود . یک تار مو .

کلایمن خوب ، آخه من با اون شونه موهامو شونه می کنم .

سام رنگ این تار مو ، درست رنگ همون موئیه که پلیس کشف کرده .

کلایمن مگه احمقی ؟ این یک موی سیاهه . دور و برت میلیونها موی سیاه گیر میاد . چرا داری می ذاریش توی پاکت ؟ ده ! (مکث) این یه چیز معمولیه . اینجا (مکث) ، (به جان اشاره می کند) اون ، موهای اون هم سیاهه .

جان (کلایمن را می گیرد) کلایمن ! منو به چی متهم می کنی ها ؟ !

کلایمن کی داره متهم می کنه ؟ اون موی منو گذاشت توی پاکت . موی منو بهم پس بده .

(پاکت را قاپ می زند اما جان او را کنار می زند)

جان ولش کن !

سام من وظیفه ی خودمو انجام می دم .

ویکتور راست می گه . پلیس از همه ی همشریها کمک خواسته .

هکر آره ، ما حالا یک نقشه داریم .

کلایمن چه جور نقشه ای ؟

ال ما می‌تونیم روی تو حساب کنیم ، مگه نه؟
ویکتور اوه بله . ما می‌تونیم روی کلایمن حساب کنیم . اونهم وارد نقشه می‌شه .

کلایمن من وارد نقشه می‌شم ؟ بالاخره این نقشه چی هست ؟
جان بهت می‌گیم . نگران نباش .
کلایمن احتیاجی هست که اون ، موی منو بذاره توی پاکت ؟
سام تو فقط لباسهاتو بیوش و بیا پائین مارو ببین . و عجله کن . ما داریم وقت رو از دست می‌دیم .
کلایمن خيله خب . ولی اقلاً " یه سر نخي درباره‌ی این نقشه دست من بدین .

هکر کلایمن ، تو رو خدا عجله کن . موضوع مرگ و زندگی درمیونه .
بهتره لباس گرم بیوشی . بیرون سرده .

کلایمن خيله خب ، خيله خب . . . فقط نقشه رو برام تعریف کنین . اگه نقشه رو بدونم ، می‌تونم درباره‌اش فکر کنم .
(اما آنها کلایمن را در حالیکه با سر درگمی مشغول لباس پوشیدن است ترک می‌کنند)

کلایمن پاشنه‌کش من کدوم جهنمیه ؟ . . . مسخره است . . . نصف شب یک نفر رو با چنین خبر هولناکی از خواب بیدار می‌کنن . ما برای چی به نیروی پلیس پول می‌دیم ؟ یک دقیقه آدم توی رختخواب گرم و نرم خوابیده ، اونوقت یک دقیقه‌ی دیگه پای آدم به یک نقشه کشیده می‌شه . یک دیوونه آدمکش میاد و آدمو از پشت سر می‌گیره و (مکث)

آنا (پیرزنی است با صورتی دراز . وارد می‌شود . کلایمن او را نمی‌بیند اما از حضورش وحشتزده می‌شود) کلایمن ؟

کلایمن (ترسیده است . بطرف صدا می‌چرخد) کیه ؟ !
آنا چی ؟

کلایمن بخاطر خدا اینطور یواشکی بطرف من نخزید !
آنا من صداهایی شنیدم .

کلایمن چند تا مرد اینجا بودند . من یکدفعه عضو کمیته‌ای شدم که

کارش کشیک کشیدن و دستگیری قاتله .

آنا حالا؟

کلاینمن ظاهرا " یک قاتل داره آزاد می‌گرده (مگت) همیشه تا صبح صبر کرد . اون مثل جغد شبه .

آنا اوه ، اون دیوونه هه .

کلاینمن خب ، اگه تو جریانو می‌دونستی چرا به من نگفتی ؟

آنا چونکه هروقت می‌خوام باهات حرف بزنم ، تو نمی‌خوای بشنوی .

کلاینمن کی نمی‌خواد .

آنا تو همیشه یا سرگرم کاری (مگت) یا اینکه سرگرمی دیگه‌ای داری .

کلاینمن حواست هست که الان اوج فصل فروشه ؟

آنا من بهت می‌گفتم که یک جنایت مرموز اتفاق افتاده ، دو جنایت مرموز ، شیش جنایت مرموز . . . اما تو فقط می‌گفتی : " بعدا " ، بعدا "

کلاینمن برای اینکه تو وقت بدی رو برای گفتن انتخاب می‌کردی .

آنا راستی؟

کلاینمن آره ، تو مهمونی جشن تولدم . درست موقعی که داره بهم خوش

می‌گذره و من دارم بسته‌های هدایا رو باز می‌کنم ، یکدفعه تو با اون صورت درازت بطرف من می‌خزیدی و می‌گفتی : " روزنامه رو خوندی ؟ بک دختر رو سر بریدن " . نمی‌تونستی وقت مناسبی برای گفتن این چیزها انتخاب کنی ؟ . درست موقعی که آدم داره بهش خوش می‌گذره . تو ناله‌ی شومت رو سر می‌کنی .

آنا اگه آدم خبر خوشی نداشته باشه ، هیچوقت برای گفتن مناسب نیست .

کلاینمن بهرحال ، کراوات من کجاست ؟

آنا کراوات می‌خوای چیکار ؟ تو داری می‌ری که یه دیوونه رو به‌دام بندازی . مگه نه ؟

کلاینمن برات فرقی می‌کنه ؟

آنا مگه چه خبره؟ یک شکار رسمیه؟

کلاینمن آخه من که نمی‌دونم اون پائین کی‌رو می‌بینم . شاید رئیس‌م باشه .

آنا مطمئنم که حتی اگه اونهم باشه ، همینطوری یه لباسی پوشیده .

کلاینمن نگاه کن با کی می‌خوان برن یک قاتلو به‌دام بندازن . من یک فروشنده‌ام .

آنا ندار از پشت گیرت بندازه .

کلاینمن متشکرم آنا ، بهش می‌گم تو گفتی که همیشه روبروم وایسته .

آنا مجبور نیستی انقدر بداخلاق باشی . اون بالاخره دستگیر می‌شه .

کلاینمن پس، بذار پلیس دستگیرش کنه . من می‌ترسم برم پائین . اونجا سرد و تاریکه .

آنا برای یک بار هم که شده ، در زندگیت مرد باش .

کلاینمن گفتنش برای تو آسونه . چون الان برمی‌گردی توی رختخوابت .

آنا اگه بیاد توی این‌خونه و از پنجره وارد اتاق بشه چی ؟

کلاینمن اونوقت تو دچار مشکل می‌شی .

آنا اگه بمن حمله کنه ، فلفل بهش فوت می‌کنم .

کلاینمن چی فوت می‌کنی ؟

آنا من موقع خواب یک کمی فلفل کنار تخت می‌ذارم و اگه بمن نزدیک بشه ، من فلفل توی چشمش فوت می‌کنم .

کلاینمن فکر خوبیه آنا . باور کن اگه اون اینجا بیاد ، تو و فلفلت به سقف می‌چسبین .

آنا من درها رو دو قفله می‌کنم .

کلاینمن هوم . شاید بد نباشه یک خورده فلفل همراهم ببرم .

آنا اینو بگیر (یک طلسم به‌او می‌دهد)

کلاینمن این چیه ؟

آنا یک طلسمه که شیطان رو دور می‌کنه . از یک گدای چلاق خریدمش .

کلاینمن (به طلسم نگاه می‌کند . تحت تأثیر قرار نگرفته) خوب ، فقط

همون فلفلو به من بده .

آنا اوه نگران نباش . اون پائین تنها نمی مونی .

کلایمن درسته . اونها نقشه ی دقیقی دارن .

آنا نقشه شون چیه ؟

کلایمن هنوز نمی دونم .

آنا پس چطور می دونی که نقشه ی دقیقیه ؟

کلایمن برای اینکه بهترین مغزهای این شهرند . باورکن ، اونها می –
دونند که چه کاری می کنند .

آنا امیدوارم ، بخاطر تو .

کلایمن بسیار خوب . درها رو قفل کن و برای هیچکس باز نکن . . . حتی
من ، مگر اینکه من جیغ بکشم " در رو باز کن ! " . اونوقت زود
در رو باز کن .

آنا خدا بهمراحت کلایمن .

کلایمن (از پنجره به تاریکی نگاه می کند) بیرونو نگاه کن . . . چقدر
تاریکه . . .

آنا من کسی رو نمی بینم .

کلایمن من هم همینطور . ممکنه یک گروه از همشهریها با مشعلی ، چیزی
اونجا ایستاده باشن (مکث) .

آنا خوب حالا که یه نقشه دارن .

کلایمن آنا (مکث)

آنا بله ؟

کلایمن (به سیاهی نگاه می کند) هرگز راجع به مرگ فکر می کنی ؟

آنا چرا باید بهش فکر کنم . مگه تو فکر می کنی ؟

کلایمن معمولا " نه . ولی وقتی هم که فکر می کنم ، در اثر خفگی یا
بعلت بریدگی گلو نیست .

آنا باید امیدوار باشم که اینطور نباشه .

کلایمن من به مردن ، یک جور بهتری فکر می کنم .

آنا باور کن راههای بهتر زیادی برای مردن هست .

کلایمن مثلا " ؟

آنا مثلاً "؟ یه راه بهتر برای مردن؟
 کلایمن آره .
 آنا دارم فکر می‌کنم .
 کلایمن خوبه .
 آنا زهر .
 کلایمن زهر؟ وحشتناکه .
 آنا چرا؟
 کلایمن شوخی می‌کنی؟ آدم کهیر درمیاره .
 آنا نه الزاما " .
 کلایمن اصلاً " می‌دونی راجع به چی داری حرف می‌زنی؟
 آنا پتاسیم سیانید .
 کلایمن اوه ... متخصص من . تو هیچوقت نمی‌تونی منو مسموم کنی .
 آدم حتی وقتی یک خوراک حلزون بد رو می‌خوره ، مزه‌اش رو حس می‌کنه . نه؟
 آنا اینکه سم نیست . این اسمش مسمومیت غذائیه .
 کلایمن اصلاً " کی می‌خواد هر چیزی رو بپلعه ؟
 آنا پس می‌خواهی چه جوری بمیری؟
 کلایمن بعلت پیری . اونهم سالهای سال بعد از این . وقتیکه سفر طولانی عمر رو به آخر رسونده باشم . وقتی که ۹۰ ساله باشم و اطراف تختخوابم فامیلهام دورم رو گرفته باشن .
 آنا اما این فقط یک روءیاست . هر لحظه‌یی ممکنه یه آدمکش قاتل گردنت رو از وسط دو نصف بکنه . (مکث) یا سر تو ببره ...
 اونهم نه موقعی که نود سال سن داری ، بلکه همین الان .
 کلایمن آنا ، بحث کردن درباره‌ی این چیزها با تو ، آرامش‌بخشه .
 آنا خب ، نگران تو هستم . اون پائینو نگاه کن . یک قاتل داره ول می‌گرده و در یک همچو شب تاریکی ممکنه خیلی جاها قايم شده باشه . (مکث) توی کوچه‌ها ، درگاه‌ها ، توی راهروی زیرزمینی ... اصلاً " نمی‌شه اونو توی تاریکی دید (مکث) یک فکر بیمار که شب‌ها با سیم پیانو آدم خفه می‌کنه . (مکث) .

کلاينمن تو هرچی مي دونستی گفتي (مگث) من مي رم بخوابم .
 (ضربه‌اي به در مي خورد و صدائي مي آيد)
 صدا بريم کلاينمن !
 کلاينمن دارم ميام ، دارم ميام (آنا را مي بوسد) بعدا " مي بينمت .
 آنا مواظب باش (کلاينمن بيرون مي رود و به ال مي پيوندد که دم
 در مراقب اوضاع بوده است) .
 کلاينمن نمي دونم چرا يکدفعه اين مسوءوليت به من محول شد .
 ال ما همه با هم در اين مسوءوليت سهيم هستيم .
 کلاينمن اگه شانس بيارم ، من خودم پيداش مي کنم . اوه ، من فلفل هام
 رو فراموش کردم .
 ال چي ؟
 کلاينمن هي ، بقيه کجا هستند ؟
 ال اونها بايد حرکت مي کردند . براي اجراي اين نقشه ، زمان -
 بندي دقيق ، جنبه‌ي حياتي داره .
 کلاينمن بالاخره اين نقشه‌ي بزرگ چي هست ؟
 ال بعدا " مي فهمي .
 کلاينمن پسرکي مي خواهيد بمن بگين ؟ بعد از دستگيري قاتل ؟
 ال انقدر عجلو نباش .
 کلاينمن نگاه کن (مگث) ، الان ديروخته و من سردهم . تازه اگه نخوام
 بگم که عصي هم هستم . . .
 ال هکر با بقيه‌ي بچه‌ها مي رفت . اما گفت بمحض اينکه موقعش
 بشه ، اطلاعات لازم بتو داده مي شه .
 کلاينمن هکر اينو گفت ؟
 ال آره .
 کلاينمن بالاخره حالا که من از اتاقم و از رختخواب گرم بيرون اومدم ،
 الان چيکار بايد بکنم ؟
 ال صبر کن .
 کلاينمن براي چي ؟
 ال براي باخير شدن .

کلاينمن چه خبری؟
 ال خبر اینو که تو کی باید وارد نقشه بشی .
 کلاينمن من برمی‌گردم خونه .
 ال نه! جراثشو نداری . یک حرکت غلط در این مرحله از نقشه ،
 زندگی همه‌ی ما رو به‌خطر می‌اندازه . فکر می‌کنی من می‌خوام
 یک لشگر رو شکست بدم .
 کلاينمن پس، نقشه رو بمن بگو .
 ال نمی‌تونم بهت بگم .
 کلاينمن چرا؟
 ال برای اینکه منم چیزی ازش نمی‌دونم .
 کلاينمن نگاه کن ، امشب ، شب سردیه (مگت) .
 ال هرکدوم از ما فقط بخش کوچیکی از نقشه رو می‌دونه . در هر
 مرحله از کار ، نقشه اون مرحله به افراد داده می‌شه به
 هرکس مال خودش . . . و هیچکس مجاز نیست نقش خودش رو
 برای دیگری فاش بکنه . این کار از نظر احتیاط انجام می‌شه تا
 مبادا قاتل به نقشه دست پیدا بکنه . اگه هریک از افراد وظیفه‌ی
 خودشونو به‌نحو احسن انجام بدن ، کل نقشه هم با موفقیت
 روبرو می‌شه . درعین حال نقشه نباید از روی بی‌احتیاطی فاش
 بشه یا اینکه افراد بخاطر ترس یا تهدید اجراشو متوقف بکنن .
 هرکس بخش کوچیکی از نقشه رو اجرا می‌کنه که اگر هم قاتل
 بهش دسترسی پیدا بکنه ، براش قابل استفاده نیست . نقشه‌ی
 هوشمندانه‌ایه ، نه؟
 کلاينمن نبوغ آمیزه . من نمی‌دونم جریان چیه . بنابراین برمی‌گردم
 خونه .
 ال من چیز بیشتری نمی‌تونم بهت بگم . شاید این تو بودی که
 اونهمه آدمو کشتی .
 کلاينمن من؟
 ال هرکدوم از ما می‌تونه همون یارو قاتله باشه .
 کلاينمن خب ، من که قاتل نیستم . من نمی‌تونم سرمو مثل یابو بندازم

پائین و دنبال یه قاتل موهوم بگردم . اونهم در اوج فصل
فروش .

ال متأسفم ، کلایمنم .

کلایمنم بالاخره من چیکار باید بکنم ؟ وظیفه‌ی من چیه ؟

ال اگه من جای تو بودم ، تمام تلاشم رو می‌کردم تا موقع انجام
ماءموریت من طبق نقشه برسه ، در نقشه شرکت کنم .

کلایمنم چطوری شرکت کنم ؟

ال وارد شدن در جزئیات کار مشکله .

کلایمنم نمی‌تونم فقط یه سر نخ دست من بدی ؟ چونکه کم‌کم احساس
می‌کنم که احمقم .

ال ممکنه یه چیزایی مبهم بنظر بیاد ، اما در اصل اینطور نیست .

کلایمنم پس چرا برای آوردن من به اینجا اونهمه عجله کردین ؟ حالا
من اینجا حاضرم ، اما همه گذاشتن رفتن .

ال من باید برم .

کلایمنم پس چی بود که انقدر فوری بود ؟ . . . بری ؟ منظورت چیه ؟

ال کار من در اینجا تموم می‌شه . من باید برم جای دیگه .

کلایمنم این یعنی اینکه من باید توی خیابون تنها بمونم .

ال شاید .

کلایمنم شاید و زهر مار . اگه ما با هم باشیم و تو بذاری بری من تنها
می‌شم . این مثل دو دوتا چهارتا ست .

ال احتیاط کن .

کلایمنم اوه ، نه . من تنهایی اینجا نمی‌مونم ! تو حتما " شوخی می‌کنی .

یک دیوونه داره همین دور و برها می‌گرده ! من آبم با

دیوونه‌ها تو یک جوی نمی‌ره ! من یک آدم خیلی منطقی هستم .

ال نقشه این اجازه رو بما نمی‌ده که با هم باشیم .

کلایمنم نگاه کن ، از این ماجرا یه داستان نساز . ما دو تا مجبور نیستیم

باهم باشیم . من با هر دوازده نفر مرد قوی‌هیكلی از عهده‌ی

این کار برمی‌آئیم .

ال من باید برم .

کلاينمن من نمى خوام تنهائى اينجا بمونم . جدى مى گم .
ال فقط احتياط كن .

کلاينمن نگاه كن . دستهاى من مى لرزه (مگت) تازه تو هنوز نرفتى ! اگه
تو برى تمام جونم به لرزش مى افته .

ال کلاينمن ، زندگى ديگران در گرو فعاليت توست . ما رو شكست
نده .

کلاينمن نبايد روى من حساب كنين . من خيلى از مردن مى ترسم ! من
حاضرم نميرم اما هر كارى بكنم !
ال موفق باشى .

کلاينمن ديوونه هه چى مى شه ؟ خبر تازه اى ندارى ؟ دوباره شناسايى
شده ؟

ال پليس نزديكياى كارخانه اى يخسازى يه مرد قوى هيكل
وحشتناك رو ديده . اما هيچكس نمى دونه ...
(خارج مى شود . ما صداى قدم هاى او را كه هر لحظه از دورتر
مى آيد مى شنويم)

کلاينمن براى من بسه ! من از كارخانه اى يخسازى دور مى مونم !
(تنه است . صداى باد مى آيد .) اوه ، پسر ، هيچى مثل شب
توى شهر نيست . نمى دونم چرا تا موقعيكه وظيفه ام بهم ابلاغ
مى شه نمى تونم توى اطاقم بمونم . اين صدا چى بود ؟ ! ، باد
(مگت) بادش هم زياد وحشتناك نيست . با اين حال مى تونه
يه تابلو رو روى سر من بندازه . خب ، بايد آروم باشم ...
مردم روى من حساب مى كنند ... چشم هامو باز نگه مى دارم و
اگه چيز بخصوصى ديدم ، بقيه رو خبر مى كنم ... فقط اشكالش
اينه كه بقيه اى وجود ندارن ... بايد يادم باشه كه در اولين
فرصت با آدم هاى بيشترى دوست بشم ... شايد اگه يه خورده
راه برم وارد حوزه اى يه نفر ديگه بشم ... چقدر ممكنه دور
شده باشن ؟ شايد هم عمدا " دور شده باشن . شايدم اين جزئى
از نقشه است . شايدم اگه اتفاقى برام بيفته ، " هكر " منو از
دور تحت نظر داره و همراه بقيه به كمكم ميايد ... (خنده اى

عصبی می‌کند) مطمئنم که منو تنها توی خیابون سرگردون ول نکردن . باید بدونن که مزاج من با یه قاتل دیوونه سازگار نیست . یک دیوونه باندازه‌ی ده نفر زور داره اما زور من قد زور نیم نفره... شاید هم دارن از من بعنوان طعمه استفاده می‌کنن ... فکرشو بکنین ، مثل یه بره ؟ ... قاتل به سراغ من میاد و اونها بسرعت سر می‌رسن و می‌گیرنش (مکث) ، شاید هم یواش بیان ... گردن من هیچوقت قوی نبوده (یک سیاهی در پشت سرش می‌دود) این چی بود ؟ شاید باید برگردم ... دارم خیلی از نقطه‌ی شروع دور می‌شم ... چطور می‌خوان پیدام کنن و وظایفم رو بهم ابلاغ کنن ؟ تازه من دارم به طرف قسمتی از شهر می‌رم که باهاش آشنایی ندارم ... بعدش چی ؟ آره (مکث) شاید بهتره پیش از اینکه گم بشم برگردم ... (صدای گامهای آهسته‌یی را که بطرفش می‌آید می‌شنود) اوهوه ... این صدای پاست . دیوونه‌هه هم احتمالا " پا داره ... خدایا نجاتم بده ...

دکتر کلاینمن ، این تو هستی ؟

کلاینمن چی ؟ کیه ؟

دکتر چیزی نیست ، دکتره .

کلاینمن تو منو ترسوندی . بگو ببینم ک از " هکر " و بقیه‌ی بچه‌ها چه خبر ؟

دکتر در ارتباط با شرکت تو در نقشه ؟

کلاینمن بله . وقت داره تلف می‌شه و من بیخودی سرگردونم . منظورم اینه که من چشمهامو باز نگه می‌دارم . اما اگه می‌دونستم که قراره چه کاری بکنم (مکث)

دکتر " هکر " یه چیزی هم درباره‌ی تو گفت .

کلاینمن چی گفت ؟

دکتر یادم نمیاد .

کلاینمن عالیه ! من یک مرد فراموش شده‌ام .

دکتر فکر می‌کنم یه چیزی گفت . اما مطمئن نیستم .

کلاینمن نگاه کن . چرا ما با همدیگه کشیک نمی‌دیم ؟ اگر مشکلی پیش بیاد . . .

دکتر من می‌تونم یه راه کوتاهو همراه تو پیام . اما بعدش کار دیگه‌ای دارم .

کلاینمن خنده داره که آدم نصف شبی یه دکتر رو ببینه . . . می‌دونم که از معاینه‌ی مریض در منزل چقدر بدتون میاد . ها ، ها ، ها ، ها ، (صدای خنده نیست) شب خیلی سردیه . . . (سکوت) تو ، تو فکر می‌کنی که ما امشب اونو شناسایی می‌کنیم ؟ (سکوت) تصور می‌کنم که در اجرای نقشه نقش مهمی داری ؟ می‌دونی ؟ من هنوز نقش خودم رو نمی‌دونم .

دکتر من صرفاً " به‌مسایل علمی علاقه دارم .

کلاینمن مطمئنم .

دکتر اینجا شانشی هست که آدم ، طبیعت دیوانگی اون رو بفهمه .

چرا اون اونجوریه که هست ؟ چه‌چیزی آدمو بطرف چنین رفتارهای ضد اجتماعی می‌کشونه ؟ آیا اون از نظرهای دیگه‌هم غیر طبیعی؟ گاهی همون کشش‌هایی که یک دیوانه رو به قتل وادار می‌کنه ، باعث پیدایش خلاقیت هنری در اون می‌شه . این پدیده بسیار پیچیده‌ایست . هیمنطور دلم می‌خواد بدونم که آیا اون از بدو تولد دیوونه بوده یا علت دیوونگیش بیماری ، حادثه‌ی منجر به ضایعه مغزی یا ازدیاد فشارهای عصبی بوده . میلیونها واقعیت هست که باید کشف بشه . مثلاً : چرا اون برای بیان کشش‌های خودش از وسیله‌ی قتل استفاده می‌کنه ؟ آیا اون این کار رو به اراده‌ی خودش انجام می‌ده یا تصور می‌کنه که یک صدای غیبی بهش دستور می‌ده ؟ می‌دونی یه‌وقتی تصور می‌شد که دیوونه‌ها از عالم بالا الهام می‌گیرن . همه‌ی اینها لاقابل برای ضبط در پرونده ، ارزش آزمایش شدن دارن .

کلاینمن مطمئناً " ، ولی اول باید دستگیرش کنیم .

دکتر آره کلاینمن . اگه دست من بود ، من اونو بدقت مطالعه می‌کردم . اونو تا آخرین کروموزومش تشریح و تجزیه می‌کردم . دلم

می‌خواود تمام سلول‌هاشو بذارم زیر میکروسکوپ . ببینم از چی تشکیل شده . می‌خوام ترشحاتش رو آزمایش کنم . خورش رو تجزیه کنم . از مغزش نمونه برداری کنم ، تا اینکه بالاخره دقیقاً " و از جنبه‌های مختلف بتونم اونو شناسایی کنم .

کلایمن تو اصلاً " می‌تونی واقعاً " یک نفر رو بشناسی ؟ منظورم اینه که شناسیش نه اینکه درباره‌اش چیزهایی بدونی . منظورم شناخت عملیه ، می‌دونی منظورم از شناختن یک نفر چیه ؟ شناختن : واقعاً " شناختن . دانستن ، شناختن . شناختن .

دکتر کلایمن . تو یک ابلهی .

کلایمن تو می‌فهمی من چی می‌گم ؟

دکتر تو کار خودتو بکن ! منم کار خودمو می‌کنم .

کلایمن من نمی‌دونم کارم چیه ؟

دکتر پس دیگه انتقاد نکن .

کلایمن کی انتقاد می‌کنه ؟ (فریادی شنیده می‌شود . آنها گوش بزرنگ می‌شوند) چی بود ؟

دکتر تو ، پشت سرمون صدای پا می‌شنوی ؟

کلایمن من از وقتی هشت سالم بود ، از پشت سر صدای پا می‌شنیدم . (مجدداً " صدای فریاد می‌آید)

دکتر یه نفر داره میاد .

کلایمن شاید اون از اینکه بخوان تجزیه‌اش بکنن خوشش نیومده .

دکتر کلایمن ، تو بهتره از اینجا بری .

کلایمن با کمال میل .

دکتر زود ! از اینطرف !

(صدای پای سنگینی که نزدیک می‌شود)

کلایمن اون کوچه بن بسته .

دکتر من می‌دونم چیکار دارم می‌کنم .

کلایمن آره ، ولی اینجوری ما توی تله می‌افتیم و کشته می‌شیم !

دکتر با من جر و بحث می‌کنی ؟ من یک دکترم .

کلایمن ولی من این کوچه‌رو می‌شناسم ، بن بسته . راه در رو نداره !

دکتر خداحافظ کلایمن ، هرکاری دلت می‌خواد بکن !
 (دوان دوان به داخل گوجه بن بست می‌رود)
 کلایمن (پشت سر او صدا می‌زند) صبر کن ، متأسفم ! (صدای نزدیک شدن یک نفر) من باید آرام باشم ! من می‌دوم یا قایم می‌شم ؟
 نه ، باید هم بدوم و هم قایم بشم ! (می‌دود و با یک زن سینه به سینه می‌شود) اووف !
 جینا اوه !
 کلایمن تو کی هستی ؟
 جینا تو کی هستی ؟
 کلایمن اسم من کلایمنه . تو صدای فریاد نشنیدی ؟
 جینا چرا شنیدم و ترسیدم . اما نمی‌دونم صدا از کجا میاد .
 کلایمن مهم نیست . نکته‌ی اصلی اینکه اون صدای جیغ بود و جیغ کشیدن هیچوقت خوب نیست .
 جینا من ترسیده‌ام .
 کلایمن بیا از اینجا بریم !
 جینا من نمی‌تونم زیاد دور بشم . یه کاری دارم که باید انجام بدم .
 کلایمن توهم توی نقشه‌ای ؟
 جینا تو نیستی ؟
 کلایمن هنوز نه . فکر هم نمی‌کنم که بالاخره بفهمم چیکار باید بکنم .
 توافقاً " چیزی درباره‌ی نقش من نشنیدی ؟
 جینا تو کلایمن هستی .
 کلایمن دقیقاً " .
 جینا یه چیزی درباره‌ی یک کلایمن آدمی شنیده‌ام . اما یادم نمیاد که چی شنیدم .
 کلایمن می‌دونی " هکر " کجاست ؟
 جینا " هکر " کشته شده .
 کلایمن چی ؟ !
 جینا فکر می‌کنم که " هکر " بود .
 کلایمن " هکر " مرده ؟

جینا مطمئن نیستند گفتند : " هکر " ، یا یکی دیگه .
کلاینمن هیچکس درباره‌ی هیچ چیز مطمئن نیست ! هیچکس هیچی
نمی‌دونه ! این یه نقشه‌است ! ما داریم مثل مگس می‌افتیم !
جینا " شاید هم " هکر " نبود .

کلاینمن بیا از اینجا بریم . من از جای اصلی‌ام دوره شده‌ام ، و
احتمالا " اون‌ها دارند دنبالم می‌گردند . با این شانسی که من دارم اگه
نقشه شکست بخوره اون‌ها تقصیرهارو بگردن من می‌اندازن .

جینا یادم نمیاد که کی مرده . " هکر " یا " ماکسول " .
کلاینمن من حقیقتو بهت می‌گم . قضیه مشکله . راستی یه زن جوان مثل
توی خیابون چیکار می‌کنه ؟ این یک کار مردونه‌است .
جینا من شب‌ها به خیابون عادت دارم .
کلاینمن اه ؟

جینا خب ، من یه روسپی هستم .
کلاینمن شوخی می‌کنی . من تا حالا روسپی ندیده بودم . . . فکر
می‌کردم شماها باید بلند قدتر باشید .
جینا من تو رو ناراحت نکردم . کردم ؟
کلاینمن راستشو بخوای من خیلی دهاتی هستم .
جینا اه ؟

کلاینمن من حتی هیچوقت تا این ساعت شب بیدار نبودم . منظورم
اینه که هرگز . آخه الان نصف شبه . من اگر مریض نباشم
معمولا " در این ساعت مثل یک بچه خوابیده‌ام .
جینا عوضش امشب که آسمون هم صافه بیرون آمدمی .
کلاینمن آره .

جینا میشه ستاره‌ها رو دید .
کلاینمن درواقع ، من خیلی عصبی هستم . ترجیح می‌دادم که توی خونه
توی رختخواب باشم . شب یه‌خورده غیر طبیعیه . همه‌ی
مغازه‌ها بسته‌اند . ترافیک نیست . می‌تونم هرجوری دلت .
بخواد راه بری . . . هیچکی جلوتو نمی‌گیره .

جینا خب ، این خوبه . مگه نه ؟
کلاينمن نه ... يه خورده مسخره است . تمدنی در کار نیست . من می -
تونم لباسم رو در بیارم و لخت توی خیابون اصلی بدوم .
جینا اوهو .
کلاينمن منظورم اینه که من این کارو نمی کنم . اما میشه که بکنم .
جینا از نظر من شهر در شب خیلی تاریک و سرد و خالیه . در فضای
خارج از جو زمین هم باید همینطور باشه .
کلاينمن من هیچوقت به فضا علاقه یی نداشتم .
جینا اما تو در فضا هستی ... ما در فضا فقط یک توپ گرد کوچیک
هستیم ... نمیشه گفت کدوم طرف بالا است .
کلاينمن فکر می کنی این خوبه ؟ من آدمی هستم که همیشه دلم می خواد
بدونم که بالا کدوم وره ، پائین کدوم وره و دستشویی کجاست .
جینا فکر می کنی در یکی از اون بیلیونهاستاره ، حیات وجود داشته
باشه ؟
کلاينمن من شخصا " نمی دونم . فقط شنیدم که ممکنه در مریخ حیات
وجود داشته باشه اما کسی که اینو بمن گفت ، خرازی فروش
بود .
جینا و همه ی ستارگان ابدی هستند .
کلاينمن چطور می تونه همیشگی باشه ؟ دیر یا زود باید بایسته . خوب ؟
منظورم اینه که دیر یا زود باید تموم بشه . باید یه دیواری
چیزی وجود داشته باشه . البته اگه بخوایم منطقی باشیم .
جینا منظورت اینه که جهان محدوده ؟
کلاينمن من اصلا " چیزی نمی گم . نمی خوام توی این بحث هادرگیر
بشم . من فقط می خوام بدونم که قراره چه کاری انجام بدم ؟
جینا (به آسمان اشاره می کند) اونجا می تونی " مشتری " رو
بینی ... اون " جوزا " ست . اون ستاره ی زحله .
کلاينمن ستاره های " جوزا " رو کجا می بینی ؟ بنظر شبیه نمایان .
جینا اون ستاره ی کوچیکو نیگا کن ... تک و تنهاست . به سختی
میشه دیدش .

کلاينمن مي دوني چقدر بايد دور باشه؟ حتي از گفتنش هم متنفرم .
 جينا ما داريم نوري رو مي بينيم كه ميليونها سال پيش ، از اون ستاره
 تابيده . اما نور تازه حالا بما مي رسه .

کلاينمن منظورت رو مي فهمم .
 جينا مي دونستي كه نور در هر ثانيه ۱۸۶۰۰۰ مایل مسافت رو طی
 مي كنه؟

کلاينمن اگه از من مي پرسی بايد بگم كه سرعتش خيلي زياده . من دلم
 مي خواد كه از يه چيزي لذت ببرم . اما وقت فراغت ندارم .

جينا تا اونجايي كه ما مي دونيم . اين ستاره ميليونها سال پيش
 ناپديد شده اما نورش اين مسافت رو هر ثانيه ۱۸۶۰۰۰ مایل
 راه اومده تا به ما رسیده .

کلاينمن يعني اون ستاره ممكنه الان اونجا نباشه؟
 جينا درسته .

کلاينمن با اينكه من با چشم هاي خودم مي بينمش؟
 جينا درسته .

کلاينمن عجيبه ، چون اگه من يه چيزي رو با چشم ام ببينم ، دلم
 مي خواد فكر كنم كه حتما " چنين چيزي وجود داره . منظورم
 اينه كه اگه حرف تو راسته ، ميشه كه همه شون همينطور باشن .
 ميشه كه همه شون سوخته باشن . فقط خبرها دير به ما مي رسه .

جينا كلاينمن ، كي مي دونه چي واقعيه؟
 کلاينمن چيز واقعي ، چيزيه كه ميشه با دست لمسش كرد .

جينا اوه؟ (كلاينمن او را مي بوسد . او عكس العمل صميمانه يي نشان
 مي دهد) اين ميشه شيش دلار لطفا " .

کلاينمن براي چي؟
 جينا تو يه كمی تفريح كردي . مگه نه؟

کلاينمن يه كمی ، بله ...
 جينا خب ، من سر كارم هستم .

کلاينمن آره ، اما شيش دلار براي يه ماچ كوچيك . با شيش دلار من
 مي تونم يه شال گردن بخرم .

جینا خيله خب ، پنج دلار بده .
کلاينمن تو هيچوقت مجانی ماچ نمی دی ؟
جینا کلاينمن ، این کار منه . وگرنه برای لذت ، من زنها رو می بوسم .
کلاينمن زنها ؟ چه شباهتی ؟ ... منم همینطور .
جینا من باید برم .
کلاينمن قصد نداشتم که بهت توهين کنم (مکث) .
جینا می دونم . من باید برم .
کلاينمن از خودت مواظبت می کنی ؟
جینا من باید وظیفه مو انجام بدم . موفق باشی . امیدوارم بالاخره بفهمی که قراره چیکار بکنی .
کلاينمن (پشت سرش صدا می کند) قصد نداشتم باهات مثل یک حیوون رفتار کنم . من یکی از بهترین آدمهایی هستم که خودم می شناسم . (صدای پای زن محو می شود و مرد تنها می ماند)
خب ، دیگه گندش درآمده . من دیگه برمی گردم خونه . فوqش فردا میان می پرسن که کجا بودم . اونها می گن نقشه خراب شد و تقصیر تو هم بود که خراب شد . فرقش چیه ؟ بالاخره یه راهی پیدا می کنند . اونها یه کسی رو احتیاج دارن که تقصیرهارو بذارن گردنش . احتمالا " نقش من هم همینیه . هر وقت یه کاری خراب می شه . تقصیرها رو گردن من میندازن . من (زمزمه می می شنود) چی ؟ کیه ؟ !
دکتر (در حالیکه زخمی مرگبار خورده است به داخل صحنه می خزد)
کلاينمن .
کلاينمن دکتر !
دکتر من دارم می میرم .
کلاينمن من یه دکتر خبر می کنم .
دکتر من خودم یه دکترم .
کلاينمن تو ؟ اما تو یه دکتر در حال مرگی .
دکتر دیر شده (مکث) منو غافلگیر کرد ... اوه ... راه فراری نبود .

کلایمنم کمک! کمک! زود یه نفر بیاد .
 دکتر کلایمنم زر نزن . . . مگه می‌خوای قاتل پیدات کنه؟
 کلایمنم گوش کن ، من دیگه اهمیتی نمی‌دم ! کمک ! (بعد فکر می‌کند
 که ممکن است قاتل او را پیدا کند . بنابراین صدایش را پائین
 می‌آورد) کمک . . . اون کیه ؟ خوب نگاهش کردی ؟
 دکتر نه فقط یک دفعه یه ضربه‌ای از پشت سر بهم وارد شد .
 کلایمنم خیلی بده . اون از جلو بهت حمله نکرد . وگرنه می‌تونستی
 ببینی اش .
 دکتر کلایمنم ، من دارم می‌میرم . . .
 کلایمنم این یه مساله شخصی نیست .
 دکتر این دیگه چه حرف احمقانه‌ای است که می‌زنی ؟
 کلایمنم چی می‌تونم بگم ؟ من فقط سعی می‌کنم باهات حرف بزنم .
 (یک مرد دوان دوان سر می‌رسد)
 مرد چی شده ؟ کسی کمک می‌خواست ؟
 کلایمنم دکتر داره می‌میره . . . کمک بیار . . . صبر کن ! تو چیزی
 درباره‌ی من شنیده‌ای ؟
 مرد تو کی هستی ؟
 کلایمنم کلایمنم .
 مرد کلایمنم . . . کلایمنم . . . آره ، یه چیزایی شنیده‌ام . . . اونها
 دارن دنبال تو می‌گردن . . . مساله مهمیه . . .
 کلایمنم کی دنبال من می‌گرده ؟
 مرد یه چیزی درباره‌ی ماء‌موریت تو بود .
 کلایمنم حرفتو بزن .
 مرد بهشون می‌گم که تو رو دیدم .
 (دوان دوان می‌رود)
 دکتر کلایمنم ، تو به تناسخ ارواح معتقدی ؟
 کلایمنم تناسخ دیگه چیه ؟
 دکتر تناسخ (مگت) یعنی اینکه روح آدم پس از مرگ در جسم یه چیز
 دیگه حلول می‌کنه .

کلاينمن مثل چي؟
دکتر ټه... اوه... توی يه چيز زندهی ديگه...
کلاينمن منظورت چيه؟ مثلاً "يه حيوون؟
دکتر آره.
کلاينمن منظورت اينه که ممکنه روح تو در جسم يک قورباغه حلول کنه؟
دکتر فراموش کن کلاينمن. من اصلاً "چيزی نگفتم."
کلاينمن گوش کن، هر چيزی ممکنه. اما باور کردنش سخته که رئيس يک کمپانی مهم، روحش در جسم يک شمپانزه حلول کنه.
دکتر دنيا جلوی چشم تيره و تار می شه.
کلاينمن نگا کن. چرا بهم نمی گي که ماءموريت تو در اين نقشه چيه؟ من هنوز متوجهی ماءموريت خودم نشدم. حالا که تو داری از رده خارج می شي، من می تونم کار تو رو ادامه بدم.
دکتر ماءموريت من بدرد تو نمی خورده. من تنها کسی بودم که از عهده اش برمی آمدم.
کلاينمن بخاطر خدا حرف بزن. من اصلاً "نمی دونم ما تشکيلات منظمی داريم يا توی يک تشکيلات نامنظم فعاليت می کنيم."
دکتر کلاينمن، باعث شکست ما نشو. ما بتو احتياج داريم.
(می ميرد).
کلاينمن دکتر؟ دکتر؟ اوه خدای من... من چيکار بايد بکنم؟ بدرک، من می رم خونه! بذار همه شون تمام شب اينور اونور بگردن. اوج فصل فروشه. هيچکس به من هيچی نمی گه. فقط نمی خوام که همه ي تقصيرها رو به گردن من بندازن. خب، اصلاً "چرا بايد گردن من بندازن؟ بمحس اينکه اونها خواستن، من اومدم. اما اونها ماءموريتی برای من نداشتن."
(يک پاسبان با مردی که برای آوردن گمک رفته بود وارد صحنه می شوند)
مرد مرد مشرف به موت اينجاست؟
کلاينمن من دارم می ميرم.
پاسبان تو؟ اون چطور؟

کلاینمن اون که مرده !
 پاسبان تو باهاش دوست بودی ؟
 کلاینمن اون لوزتین منو عمل کرده .
 (پاسبان زانو می زند تا جسد را معاینه کند) .
 مرد من یک بار مرده بودم .
 کلاینمن ببخشید ؟
 مرد مرده ، من مرده بودم . در زمان جنگ . زخمی شده بودم . روی
 تخت عمل دراز کشیده بودم . دکتر عرق می ریخت که زندگی
 منو نجات بده . ناگهان قلبم از کار ایستاد . و من مردم . کار
 تمام شد . یکی از اونها که حضور ذهن بیشتری داشت قلبم رو
 ماساژ داد . بعد قلبم شروع به تپش کرد و من زنده شدم اما از
 نظر رسمی ، برای یک لحظه کوتاهی من مرده بودم از نظر
 علمی هم مرده بودم (مگت) . . . اما این قضیه مال خیلی
 وقت پیشه . با اینحال هر وقت من یه مرده می بینم ، خوب
 حالش رو درک می کنم .
 کلاینمن خب ؟ مردن چطوری بود ؟
 مرد چی ؟
 کلاینمن مردن . چیزی هم دیدی ؟
 مرد نه هیچی .
 کلاینمن عالم پس از مرگ رو به یاد نمیاری ؟
 مرد نه .
 کلاینمن اسم من به گوشت نخورد ؟
 مرد هیچی ، کلاینمن ، بعد از مردن هیچ خبری نبود .
 کلاینمن من نمی خوام برم . هنوز نه . حالا نه . دلم نمی خواد اونچه که
 بر سر اون اومده سر من بیاد . آدمو گیر میندازن ، ضربه
 می زنن حتما " بقیه رو هم کشته . . . حتی هکر رو . . . اون
 دیوونه همه رو کشته .
 مرد " هکر " به دست دیوونه هه کشته نشده .
 کلاینمن نه ؟

مرد توطئه کنندگان بهش سوء قصد کردند .
کلاينمن توطئه کنندگان ؟
مرد از يه جناح ديگه .
کلاينمن کدوم جناح ؟
مرد مگه درباره‌ی جناح ديگه چيزی نمی دونی ؟
کلاينمن من هيچی نمی دونم . من توی شب گم شده‌ام .
مرد آدمای مشخصی هستن . " شپرد " و " ويليز " . اونها همیشه با
روش " هکر " مخالف بودند .
کلاينمن چی ؟
مرد خب ، " هکر " به نتیجه‌ی قطعی نرسیده بود .
کلاينمن خب پلیس هم به نتیجه نرسیده بود .
پاسبان (بلند می‌شود) . اگه شخصی‌ها خودشان رو کنار بکشن ، ما
حتما " به نتیجه می‌رسیم .
کلاينمن من فکر کردم تو کمک می‌خواهی .
پاسبان کمک بله ، اما نه سر درگمی و شوک . اما نگران نباش . ما دو تا
سر نخ بدست آوردیم و کامپیوترهای ما هم مشغول فعالیت‌اند .
این کامپیوترها ، بهترین مغزهای الکترونیکی‌اند . غير قابل
اشتباه . باید دید تا کی می‌تونه از دست کامپیوترها فرار کنه .
(زانو می‌زند)
کلاينمن خب ، پس " هکر " رو کی کشت ؟
پاسبان يه جناحی هست که مخالف " هکر " ه .
کلاينمن کی ؟ " شپرد " و " ويليز " ؟
پاسبان خیلی‌ها طرف اونها ، باور کن . حتی شنیده‌ام که گروهی هم
از این گروه جديد انشعاب کرده .
کلاينمن يه جناح ديگه ؟
پاسبان آره . اونها با کلی نقشه‌ی جديد برای دستگیری اون دیوونه .
این همون چيزیه که ما بهش احتیاج داریم . مگه نه ؟ فکرهای
مختلف . اگه يه نقشه شکست بخوره ، باز يه نقشه‌ی ديگه هست .
این طبیعیه ! شایدم تو با نقشه‌های جديد مخالفی ؟

کلاينمن من؟ نه . . . اما اونها " هکر " رو کشتن .
 مرد برای اینکه بهشون اجازه‌ی پیشروی نمی‌داد . بخاطر دگماتیزم
 که می‌گفت فقط نقشه‌ی خودش بدرد می‌خوره . در حالیکه هیچ
 اتفاقی نمی‌افتاد .

کلاينمن پس حالا چندین نقشه داریم . نه؟
 مرد درسته . و من امیدوارم که تو سرسپرده نقشه‌ی " هکر " نباشی .
 هرچند که هنوز خیلی‌ها سرسپرده‌اش هستن .

کلاينمن من حتی نقشه‌ی " هکر " رو نمی‌دونم .
 مرد خوبه . پس ممکنه برای ما مفید باشی .

کلاينمن " ما " یعنی کی؟
 مرد خودتو به‌نفهمی زنن .

کلاينمن کی خودشو به‌نفهمی می‌زنه؟
 مرد زود باش .

کلاينمن نه . من نمی‌دونم کی به‌کیه .
 مرد (روی کلاينمن چاقو می‌کشد) زندگی مردم در خطره . اونوقت
 تو احمق داری زر می‌زنی . تصمیمت رو بگیر .

کلاينمن نه . . . سرکار . . . پلیس مخفی . . .
 پاسبان حالا تو کمک می‌خواهی . اما هفته‌ی پیش می‌گفتی ما احمقیم
 چونکه نتونسته بودیم قاتلو دستگیر کنیم .

کلاينمن من هیچوقت انتقاد نکردم .
 مرد کرم خاکی ، تصمیم بگیر .

پاسبان هیچکی ککش نمی‌گزه که ما بیست و چهار ساعته کار می‌کنیم .
 تمام مدت احمق‌هایی هستن که اعتراف می‌کنن قاتل اونها
 هستن و تقاضای مجازات دارن .

مرد بهترین کار اینه که سر تو ببرم . شل و ول .

کلاينمن من برای ملحق شدن به‌شما حاضرم . فقط بگو که چیکار باید
 بکنم .

مرد تو با " هکر " ی یا با ما ؟

کلاينمن " هکر " مرده .

مرد او پیروانی داره. یا شاید هم می‌خواهی به یکی از گروه‌های منشعب ملحق بشی. ها؟

کلاینمن اگه یکی به من بگه که هر گروهی طرفدار چه عقیده‌ایه، شاید. می‌دونی منظورم چیه؟ من هرگز نقشی "هکر" رو نفهمیدم. . . . نقشی تو رو هم نمی‌دونم. درباره‌ی گروه‌های انشعابی هم هیچی نمی‌دونم.

مرد جک؟ این همونی نیست که هیچی نمی‌دونه؟

پاسبان آره. اما موقع عملیات همه‌چی بهش گفته می‌شه. تو منو مریض می‌کنی.

(اعضای گروه "هکر" وارد صحنه می‌شوند)

هانک تو اینجایی کلاینمن؟ تا حالا کجا بودی؟

کلاینمن من کجا بودم؟ شما خودتون کجا بودین؟

سام درست موقعی که بهت احتیاج داشتیم غیبت زد.

کلاینمن هیچکس یک کلمه به من نگفت.

مرد کلاینمن حالا با "ما" است.

جان این راسته، کلاینمن؟

کلاینمن چی راسته؟ من دیگه نمی‌دونم چی راسته چی راست نیست.

(چندین مرد وارد می‌شوند. آنها اعضای یک گروه مخالف‌اند)

بیل هی فرانک، این بچه‌ها واسه شما مشکلی ایجاد کردن؟

فرانک نه. اگه بخواهند هم نمی‌تونند.

ال نه؟

فرانک نه.

ال اگه شماها سر جاتون بودین، تا حالا گرفته بودیمش.

فرانک ما با "هکر" موافق نبودیم. نقشه‌اش بدرد نمی‌خورد.

دان آره ما قاتلو می‌گیریمش! واگذارش کنین به ما.

جان ما هیچی رو به شما واگذار نمی‌کنیم. بریم کلاینمن.

فرانک شما باهاشون درگیر نمی‌شین، مگه نه؟

کلاینمن من؟ من بی‌طرفم. هرکی نقشی بهتری داره، حتماً "بهتره".

هنری بی‌طرفی وجود نداره کلاینمن.

مرد یا ما یا اونها .
 کلایمن وقتی حق انتخابی ندارم ، چطور می‌تونم انتخاب کنم ؟ یکی‌اش
 سیه و یکی دیگه‌اش هلو؟ یا هردو تاش نارنگی‌اند ؟
 فرانک بذار همین حالا بکشیمش .
 سام قرار نیست بازهم آدم بکشید .
 فرانک نه ؟
 سام نه . وقتی اون دیوونه‌هه رو بگیریم . یکی باید گناه قتل "هکر"
 رو به‌گردن بگیره .
 کلایمن همین حالا که ما ایستاده‌ایم و بحث می‌کنیم ، ممکنه دیوونه‌هه
 مشغول کشتن یه نفر باشه . هدف ما همکاریه .
 سام اینو به اونها بگو .
 فرانک اسم این بازی " نتیجه " است .
 دان حالا بذار مواظب اون والدالزناها باشیم . درغیر اینصورت
 اونها سر راهمونو می‌گیرن و سر درگم مون می‌کنن .
 ال فقط سعی کن .
 بیل ما یه کاری می‌کنیم بیشتر از سعی .
 (چاقوها و پنجه بگس‌ها را بیرون می‌آورند)
 کلاینه : بچه‌ها (مگت) پسرها (مگت)
 فرانک حالا انتخاب کن کلایمن . این لحظه‌ی انتخابه !
 هنری بهتره درست انتخاب کنی کلایمن . فقط یه‌برنده در این بازی
 هست .
 کلایمن ما همدیگه رو می‌کشیم و قاتل آزاد می‌مونه . نمی‌بینی ...
 اونها نمی‌بینن .
 (دعوا شروع می‌شود . ناگهان همه می‌ایستند و نگاه می‌کنند .
 یک دسته‌ی خرافاتی وارد می‌شوند " دستیار " رهبر آنهاست) .
 دستیار قاتل ! ما دیوونه رو شناسایی کردیم !
 (دعوا متوقف می‌شود . همه زمزمه می‌کنند : " چه خبره " . یک
 گروه به‌مراه " هانس اسپرو " گندرمی‌سوزانند و دود می‌کنند) .
 پاسبان این " اسپرو " است که تله‌پاتی بلده . ما اونو وارد نقشه

کرده‌ایم . اون بصیرت داره . بهش الهام می‌شه .
کلاينمن واقعا "؟ پس باید بدردمون بخوره .
پاسبان اون برای دیگران مشکلات جنائی رو حل کرده . فقط احتیاج
داره یه چیزی دود کنه . او در مرکز پلیس فکر منو خوند . اون
می‌دونست که من با کی توی رختخواب رفته بودم .
کلاينمن با زنت .
پاسبان (پس ازیک نگاه چپ‌چپ به کلاينمن) بچه‌ها نگاهش کنین .
قدرت خارق‌العاده‌ی مادرزادی داره .
دستیار آقای اسپرووی با بصیرت در آستانه کشف قاتله . لطفا " راه رو
باز کنید . (اسپرو ، دودگنان‌پیش‌میايد) آقای اسپرو می‌خواد
به‌شما دود بده .
کلاينمن به‌من؟
دستیار بله .
کلاينمن برای چی؟
دستیار همین که اون می‌خواد ، کافیه .
کلاينمن من نمی‌خوام بهم دود بدن .
قرانک چی رو می‌خوای خفه کنی؟
(بقیه هم تاءیید می‌کنند)
کلاينمن هیچی . اما این منو عصبی می‌کنه .
پاسبان برو جلو ، دود بده .
(اسپرو دود می‌کند . کلاينمن ناراحت است)
کلاينمن اون چیکار داره می‌کنه؟ من چیزی رو مخفی نکرده‌ام . با این
کار فقط ژاکت من بوی کافور می‌گیره . خب؟ حالا ممکنه دیگه
به‌من دود ندی؟ این کار منو عصبی می‌کنه .
ال عصبی می‌کنه کلاينمن؟
کلاينمن من هیچوقت دوست نداشتم دود بگیرم . (" اسپرو ")
شدیدتر دود می‌کند (موضوع چیه؟ شماها به‌چی نگاه می‌کنین؟
چی؟ اوه ، می‌دونم . من روی شلوارم یه‌خورده سوس سالاد ریخته‌ام .
واسه‌ی همین بوی بد می‌ده (مکث) زیاد وحشتناک نیست

... سس استیک " ویلتون هاوس " بود ... من استیک دوست دارم ... نه اینکه آبدار باشه ... خب اشتباه کردم . می خواستم بگم نه اینکه خام باشه ... می دونی ، ، آدم دستور استیک آبدار می ده ، اونوقت براش گوشت سرخ کرده میارن ...

اسپیرو این مرد قاتله .

کلاینمن چی ؟

پاسبان کلاینمن ؟

اسپیرو بله ، کلاینمن .

پاسبان نه !

دستیار آقای اسپرو یه دفعه ی دیگه هم موفق شد !

کلاینمن شما درباره ی چی صحبت می کنین ؟ می دونین راجع به چی دارین صحبت می کنین ؟

اسپیرو گناهکار اینجاست .

کلاینمن تو احمقی . اسپرو ... این یارو دیوانه است .

هنری خوب ، کلاینمن ، پس همه اش کار تو بود ؟

فرانک (با فریاد) هنری (مگت) اینجا ! اینجا ! ما انداختیمش توی تله !

کلاینمن چیکار می کنین ؟ !

اسپیرو شکی نیست . خودش .

بیل کلاینمن ، چرا این کارهارو کردی ؟

کلاینمن چه کارهایی ؟ شما می خواهم حرف این یارو رو باور کنین ؟ اونهم با دود دادن و بو دادن من ؟

دستیار قدرت فوق طبیعی آقای اسپرو هرگز اشتباه نکرده .

کلاینمن این یارو حقه بازه . مگه با بو دادن چیکار می شه کرد ؟ !

سام پس قاتل ، کلاینمنه .

کلاینمن نه رفقا ، شما همه تون منو می شناسین !

جان کلاینمن ، چرا این کار رو کردی ؟

فرانک آره ، بگو .

ال چونکه احمقه . یه چیرایی توی سر شه .

کلاینمن من احمق؟ نگاه کن ببین چه جوری لباس پوشیده‌ام!
 هنری ازش انتظار حرف با معنی نداشته باشین. مغز نداره.
 بیل آدم دیوونه همینجوریه دیگه. اونها از همه‌نظر منطقی‌اند، غیر
 از یک نظر (مگت). نقطه ضعفشون، دیوونگی‌شونه.
 سام و کلاینمن هم همیشه خیلی منطقیه.
 هنری خیلی منطقی!
 کلاینمن این یه شوخیه، نه؟ چونکه اگه شوخی نباشه، من دلم می‌خواد
 بشینم گریه کنم.
 اسپيرو یکبار دیگه خدا را شکر می‌کنم که این نبوغ برجسته را در من
 بودیعه نهاد.
 جان بیاین همین الان ببندیمش!
 (همه موافقت می‌کنند)
 کلاینمن به من نزدیک نشین. من از طناب خوشم نیامد.
 جینا سعی کرد به من حمله کنه! ناگهان منو گرفت.
 کلاینمن من بهت شیش دلار دادم!
 (آنها او را می‌گیرند)
 بیل من یه کم طناب دارم.
 کلاینمن چیکار می‌خوای بکنی؟
 فرانک می‌خواهیم یکبار برای همیشه این شهر رو امن کنیم.
 کلاینمن شما دارین منو اشتباهی اعدام می‌کنین. من حتی یه پشه رو هم
 اذیت نمی‌کنم... خیله خب، شاید یه پشه رو اذیت کنم...
 پاسبان ما نمی‌تونیم بدون محاکمه اعدامش کنیم.
 کلاینمن البته کهنه. من حقوق مشخصی دارم.
 ال قربانی‌ها ت چطور، حقی داشتن؟ ها؟
 کلاینمن کدوم قربانی‌ها؟ من وکیل مو می‌خوام! می‌شنوین؟ من وکیل مو
 می‌خوام! من حتی یه وکیل ندارم!
 پاسبان چطور از خودت دفاع می‌کنی، کلاینمن؟
 کلاینمن من گناهکار نیستم! بکلی بیگناهم! من نه حالا و نه هرگز قاتل
 و آدمکش نبودم. آدمکشی حتی باندازه‌ی یک سرگرمی هم برام

جالب نیست .

هنری برای دستگیری قاتل چه کمکی کردی ؟

کلاینمن منظور ت اون نقشه است . هیچکس چیزی درباره اش به من نگفت .

جان فکر نمی کنی این مسوءولیت تو بود که بخاطر خودت نقشه رو بفهمی ؟

کلاینمن چطوری ؟ هر وقت می پرسیدم با رقص و آواز جوابم رو می - دادند .

ال این مسوءولیت توئه کلاینمن .

فرانک درست . اونطوری هم نیست که فقط یه نقشه بوده باشه .

بیل بله ، چون ما یه نقشه دیگه رو پیشنهاد کردیم .

دان تازه نقشه های دیگه ای هم بود . می تونستی وارد یکیش بشی .

سام بخاطر همین بود که نمی تونستی انتخاب کنی ؟ چون اصلا " نمی خواستی انتخابی بکنی ؟ نه ؟

کلاینمن چی رو انتخاب کنم ؟ نقشه رو بمن بگین . بذارین بهتون کمک کنم . از من استفاده کنین .

پاسبان دیگه یه خورده دیر شده .

هنری کلاینمن تو محاکمه و محکوم شدی . تو اعدام می شی . بعنوان آخرین دفاع حرفی داری ؟

کلاینمن بله . من ترجیح می دم که دارم نزنم .

هنری متأسفم ، کلاینمن . کاری از دست ما بر نیامد .

ایب (با عجله وارد می شود) زود (مگت) زود بیایید !

جان چه خبره ؟

ایب ما قاتلو پشت انبار توی تله انداختیم .

ال این غیر ممکنه . کلاینمن قاتله .

ایب نه . اون موقع خفه کردن " ادیت کاکس " غافلگیر شد . اون زن قاتلو شناسایی کرد . عجله کنید . ما به کمک همه احتیاج داریم .

سام کسبه که می شناسیمش ؟

ایب نه ، یه غریبه است اما در حال فراره !

کلاینمن ببینین ! ببینین ! شما همین الان می‌خواستین یه آدم بیگناهو اعدام کنین .

هنری کلاینمن ما رو ببخش .

کلاینمن می‌بخشم . ولی هروقت شماها فکر تازه‌یی ندارین با یه طناب میاین سراغ من .

اسپیرو باید یه اشتباهی شده باشه .

کلاینمن و تو ؟ تو باید " گرتی " باشی ! (آنها همه می‌دوند) ، خوبه

که آدم بفهمه رفقاش کیان ؟ من می‌رم خونه ! این دیگه مشکل من نیست ! ... من خسته‌ام . سرده ... یه شب ...

حالا من کجا هستم ؟ ... بچه‌ها این حس جهت‌یابی من صناار هم نمی‌ارزه ... نه ، این درست نیست ... من باید یه‌خورده

استراحت کنم . (مکث) ، بار و بندیل منو بگیرین ... من از

ترس یه‌خورده مریض شدم ... (صدایی می‌آید) اوه خدای من ، ... این دیگه چیه ؟

دیوانه کلاینمن ؟

کلاینمن تو کی هستی ؟

دیوانه (که شباهتی به کلاینمن دارد) قاتل ، آدمکش . می‌تونم بشینم ؟ من خسته هستم .

کلاینمن چی ؟

دیوانه همه منو تعقیب می‌کنن ... من کوچه به کوچه و خونه به خونه

در حال فرارم . من تمام شهر رو زیر پا گذاشتم و اونها فکر می‌کنند که دارم تفریح می‌کنم .

کلاینمن تو قاتلی ؟

دیوانه البته .

کلاینمن من باید از اینجا برم .

مانیاک هیجان‌زده نشو . من مسلح هستم .

کلاینمن تو می‌خوای منو بکشی ؟

دیوانه البته . این تخصص منه .

کلاینمن تو ... تو دیوونه‌ای .

دیوانه البته که دیوانه‌ام . فکر می‌کنی آدم عاقل هم تو کوچه‌ها دوره می‌افته آدم می‌کشه؟ من حتی چیزی هم ازشون نمی‌دزدم . عین حقیقته . من حتی از یکی از قربانیانم یک پنی درآمد نداشتم . حتی یک شانه از جیب کسی برنداشته‌ام .

کلاینمن پس چرا این کار رو می‌کنی؟

دیوانه چرا؟ چون دیوونه‌ام .

کلاینمن اما بنظر نمیاد که عیبی داشته باشی .

دیوانه از ظاهر آدم که معلوم نمی‌شه . من یه دیوونه‌ام .

کلاینمن آره ، اما من انتظار داشتم تو یه آدم قد بلند سیاه قوی هیکل باشی . . .

دیوانه سینما که نیست کلاینمن . منم مثل تو آدمم . فکر می‌کنی باید دندونهام مثل دندونهای گراز باشه؟

کلاینمن اما تو اینهمه آدمهای بزرگ و قوی رو کشتی . . . آدم‌هایی دوبرابر قد خودت . . .

دیوانه معلومه . چون من از پشت حمله می‌کنم . یا اینکه صبر می‌کنم تا خوابشون ببره . گوش کن . من دنبال دردسر نمی‌گردم .

کلاینمن پس چرا این کار رو می‌کنی؟

دیوانه من احمقم . فکر می‌کنی می‌فهمم چیکار می‌کنم؟

کلاینمن از این کار خوشت میاد؟

دیوانه مسالهی دوست داشتن نیست . من فقط این کار رو می‌کنم .

کلاینمن اما نمی‌فهمی که کارت چقدر مسخره است؟

دیوانه اگر می‌فهمیدم که عاقل بودم .

کلاینمن چند وقته که اینطوری شدی؟

دیوانه از وقتی که یادم میاد .

کلاینمن همیشه کمکت کرد؟

دیوانه کی کمکم بکنه؟

کلاینمن دکترها . . . کلینیک‌ها . . .

دیوانه فکر می‌کنی دکترها چیزی سرشون می‌شه؟ من پیش دکتر رفته‌ام . آزمایش خون ، عکسبرداری . اونها دیوونگی منو تشخیص

نمیدن . توی عکسبرداری معلوم نمی شه .

کلاينمن روانپزشک‌ها چی ؟ دکترهای روانی ؟

ديوانه من سر به سرشون می‌ذارم .

کلاينمن ها ؟

ديوانه من پیش اونها نقش آدم عادی رو بازی می‌کنم . اونها بمن لکه

جوهر نشون می‌دن ازم می‌پرسن که از دخترها خوشم میاد

یا نه . من بهشون می‌گم : البته که خوشم میاد .

کلاينمن این وحشتناکه .

ديوانه آرزویی داری ؟

کلاينمن تو جدی نمی‌گی !

ديوانه می‌خواهی خنده‌های دیوانه‌وار منو بشنوی ؟

کلاينمن نه . استدلال تو کلمات فرو نمی‌ره ؟ (دیوانه ، تیغ‌هی چاقوی

ضامن‌دار را باز می‌کند) اگر از کشتن من لذت نمی‌بری ، چرا منو

می‌کشی ؟ این منطقی نیست . تو می‌تونی از وقتت برای

سازندگی استفاده کنی . . . برو دنبال بازی گلف (مکث) یه

گلف باز بشو !

ديوانه خداحافظ کلاينمن !

کلاينمن کمک ! کمک ! جنایت ! (دیوانه او را می‌زند و می‌دود و دور

می‌شود) اووه ! اووه ! (عده‌ی کمی جمع می‌شوند . می‌شنویم :

داره می‌میره ، کلاينمن داره می‌میره اون داره می‌میره . . .)

جان کلاينمن ، . . . اون چه شکلی بود ؟

کلاينمن شبیه من بود .

جان منظورت از " شبیه تو " چیه ؟

کلاينمن عین خودم بود .

جان اما " جنسن " گفته که اون شبیه " جنسنه " . . . بلند قد و

موطلایی . . . مثل سوئدی‌ها . . .

کلاينمن اووه . . . حرف منو قبول می‌کنی یا حرف " جنسن " رو ؟

جان خیلی خب ، عصبانی نشو . . .

کلاينمن خب ، پس زریادی نزن . . . اون عین خودم بود . . .

جان مگر اینکه استاد تغییر چهره باشه . . .

کلاینمن خب ، مطمئنم که بالاخره استاد یه چیزی هست ، ولی بهتره شما بچه‌ها عجله نکنین .

جان براش یه کم آب بیارین .

کلاینمن آب می‌خوام چیکار ؟

جان فکر کردم تشنه‌ای .

کلاینمن مردن آدمو تشنه نمی‌کنه . مگر اینکه قبلش ماهی دودی خورده باشی ؟

جان از مردن می‌ترسی ؟

کلاینمن مساله این نیست که من از مرگ می‌ترسم یا نه . فقط دلم می‌خواد وقتی مرگ به سراغ من میاد ، من جای دیگه‌ای باشم .

جان (متفکر) دیر یا زود ، نوبت همه‌مون می‌شه .

کلاینمن (هذیان می‌گوید) همکاری کنید . . . تنها دشمن ما سرنوشت است .

جان کلاینمن بیچاره . هذیان می‌گه .

کلاینمن اوه . . . اوه . . . اوگگگمممفف !

(می‌میرد)

جان بیائید . باید نقشه بهتری طرح کنیم (می‌روند)

کلاینمن (گمی از جا بلند می‌شود) راستی یه چیز دیگه ، اگه بعد از مرگ زندگی‌یی در کار باشه و ما دوباره به سر جای اولمون برگردیم ، (مکث) شما منو خبر نکنین ، من شما رو خبر می‌کنم .

(دوباره از حال می‌رود)

مرد (دوان دوان وارد می‌شود) قاتل رو کنار خط آهن دیده‌اند !

بیائید ، زود باشید !

(همه یکی پس از دیگری خارج می‌شوند و صحنه تاریک می‌شود)

" پایان "



<http://www.facebook.com/groups/BashgaheKetab/>

<http://bashgaheketab.blogspot.com/>

2000

منتشر شده است:

آگاتا کریستی	نوشته‌ی	پوآرو از صحنه خارج می‌شود
وودی آلن	"	مرگ
کیت لومر	"	شب گولها

قیمت ۸۰ ریال